

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

خلاصه بحث گذشته

بحث در این فرعی است که زن حائض قبل خروج الوقت طاهر می‌شود. عرض کردیم اینجا فروضی متصور است که اینها را بررسی کردیم.

دیدگاه محقق حلی در معتبر

یک عبارتی مرحوم محقق در معتبر دارد که می‌فرماید: ما روایاتی داریم که از این روایات اگر بخواهیم به مدلول مطابقی و ظاهری این روایات عمل کنیم این استفاده می‌شود که اگر حائض طاهر شد و شروع به نماز کرد، ولو فقط یک تکبیره الاحرام را گفت، اما وقت که تمام شد بعداً باید قضا کند.

روایت اول

وَعَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الرَّبِيعِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا طَهَّرْتَ الْحَائِضَ قَبْلَ الْعَصْرِ صَلَّاتِ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ فَإِنْ طَهَّرْتَ فِي آخِرِ وَقْتِ الْعَصْرِ صَلَّاتِ الْعَصْرِ.^[1]

در روایت منصور بن حازم امام صادق علیه السلام می‌فرماید: اگر در وقت مختص به عصر پاک شد فقط نماز عصر را بخواند.

روایت دوم

وَعَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا طَهَّرْتَ الْمَرْأَةَ قَبْلَ طُلُوعِ الْفَجْرِ صَلَّاتِ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ وَإِنْ طَهَّرْتَ قَبْلَ أَنْ تَغِيبَ الشَّمْسُ صَلَّاتِ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ.^[2]

روایت دیگر خبر کنانی از امام صادق علیه السلام است که حضرت فرمود: قبل از اینکه خورشید غایب بشود هم ظهر هم عصر را بخواند.

مرحوم محقق در معتبر بعد از ذکر این روایات می‌فرماید: «الذی یتبین من هذه الاحادیث أن المرأة اذا ادركت من وقت الصلاة قدر الغسل و الشروع بالصلاة»؛ اگر زن به اندازه غسل و اینکه الله اکبر را بگوید وقت داشته باشد، «فأخبرته حتى دخل وقت الاخرى لزمها القضاء»؛ یعنی به اندازه یک غسل و شروع نماز وقت داشت باید قضا کند، اگر تأخیر انداخت و نخواند باید قضا بشود، «ولو قيل بذلك كان مطابقاً لمدلولها»؛ اگر کسی اینطور فتوایی بدهد با ظاهر این روایات سازگاری دارد.^[3]

مرحوم حکیم در مستمسک می‌فرماید: «مدلولها أعم من ذلك، نعم يطابق مدلولها ما عن النهاية من أنه يلزمها قضاء الفجر اذا طهرت قبل طلوع الشمس على كل حال»؛ شیخ طوسی در نهاییه می‌گوید: اگر قبل از طلوع شمس در صبح «على كل حال»، ظاهرش این است که ولو به مقدار غسل هم وقت نداشته باشد، مجرد اینکه این زن قبل طلوع الشمس پاک شد قضا برایش واجب است ولو الآن وقتی برای غسل ندارد، وقتی برای نماز ندارد، نه طهارت ترابیه و نه طهارت مائیه، هیچ کدام وقت ندارد، اما پاک شد قضا واجب است. مرحوم حکیم می‌فرماید: این فتوایی که شیخ در نهاییه دارد مطابق با مدلول این روایات است.^[4]

جمع‌بندی

یک وقت می‌گوئیم ملاک در باب قضا چیست؟ می‌گوئیم آیا ملاک فوت است؟ تفویت است؟ در باب حائضی که قبل خروج الوقت پاک می‌شود، اینجا وقتی ما مجموع ادله را مطرح می‌کنیم ملاحظه می‌کنیم، می‌بینیم معیار قضا تفریط و تفویت است، ممکن است یک مواردی معیار خود فوت باشد، آن انسانی که نوم مستوعب للوقت داشته از اول تا آخر خوابیده، نماز از او فوت شده، این تفویت نکرده بلکه خواب بوده و فوت هم موضوع برای قضا باشد، البته در این تأمل کنید ولو اینکه مرحوم خوئی می‌فرمایند ملاک برای قضا این است که تمکن به اندازه اغتسال داشته باشد، این ملاک درباره نائم نمی‌آید، در باب مغمی علیه نمی‌آید.

ممکن است شاید از روایات حیض استفاده شود که مقدار قضا در باب حیض تفویت است ولو اینکه مقدار قضا در باب مغمی علیه و نائم فوت باشد. پس نمی‌خواهیم بگوئیم همه جا تفویت است! می‌گوئیم در باب حیض ملاک تفویت و تفریط و «إقض ما فات» در باب حیض مقید می‌شود در جایی که تفویت و تفریط باشد ولی در باب نوم ملاک همان فوت است. پس اینجا دو نظر دیگر شد:

1. یکی نظر محقق در معتبر که «بمقدار الغسل و الشروع فی الصلاة»، همین مقدار شروع.

2. فتوای شیخ هم در نهاییه این است که اصلاً ظاهر روایات این است که زن اگر دو ثانیه هم قبل از وقت طاهر شد قضای این نماز برایش واجب است.

منتهی مرحوم حکیم می‌فرماید در خلاف شیخ، در مختلف علامه، در جامع المقاصد، در کشف اللثام، و در غیر اینها گفته‌اند اینجا درست است که منظور روایات همین است ولی اجماع بر عدم وجود دارد، اجماع داریم که به مجرد الطهارة قبل خروج الوقت، دو ثانیه به خروج وقت باقی مانده این زن پاک شد، بمجرد الطهارة این موضوع برای قضا نیست، اجماع بر عدم است و با وجود این اجماع ما نمی‌توانیم اخذ به این روایات کنیم، این روایات مخالف با اجماع است.

این هم یکی از چالش‌هایی است که در فقه ما وجود دارد که گاهی اوقات ما روایات متعدد داریم اما مشهور از این روایات اعراض کرده‌اند؛ یعنی این معنای ظاهری روایت را قبول ندارند و ما می‌گوئیم چون ممکن است قرائنی دارند و روایات دیگری باشد آن روایات این مورد اجماع را شکل می‌دهد با ظاهر این روایات دیگر مخالفت داشته باشد. پس قاعده این است که «اذا كان الاداء واجباً»، ما عرض کردیم یک ملازمه عرفیه بین الاداء و القضا هست مگر اینکه یک دلیلی بر خلاف داشته باشیم. محقق خوئی هم ملازمه عرفیه را قبول دارند بین الاداء و القضاء، ولی در بحث دیروز فرمودند که اینجا دلیل داریم بر اینکه قضا واجب نیست!

ممکن است بگوئیم به قرینه مناسبت حکم و موضوع این روایات را حمل کنیم بر اینکه وقت برای غسل و برای انجام نماز موجود است، ولی با قطع نظر از یک توجیه، ظاهر روایت این است که «إذا طهرت المرأة قبل طلوع الفجر»؛ قبل از طلوع فجر صبح اگر پاک شد «صلّت المغرب و العشاء و اذا طهرت قبل أن تغيب الشمس صلت الظهر و العصر»، معنایش این است که ما اگر قرینه مناسبت حکم و موضوع را بیاوریم می‌گوئیم این در فرضی است که وقت برای غسل دارد و بعد هم وقت دارد برای نماز، اگر این را بگوئیم بحث کنار می‌رود.

اما خود محقق فرموده ظاهر این روایات این است که اگر غسل و به مقدار شروع نماز وقت باشد، «من ادرك» را به شروع «ادرك» معلوم می‌شود مرحوم محقق توسعه می‌دهد، به مقدار غسل و شروع در رکعت، اما آنچه در نهاییه مرحوم شیخ بیان کرده این است که علی کل حال، یعنی ولو مقدار غسل و شروع در رکعت هم نباشد. ایشان می‌گوید ما جمود کنیم به ظاهر روایات، ظاهر روایت این است و مرحوم حکیم می‌گویند این خلاف اجماع است، اجماع بر این قائم است که این مقدار کافی در مسئله وجوب القضاء نیست.

این نکته را عرض کردم به خاطر اینکه بحث اصلی‌اش باید در کتاب الحيض مطرح شود، باید تمام ابعاد مسئله آنجا کاملاً بررسی شود. در اینجا ما دنبال این هستیم که بگوئیم قاعده «من ادرك ركعة» با این فرضی که در باب حیض مطرح کردیم چگونه تحلیل می‌شود. باز سؤال اصلی این است که اگر کسی فقط به مقداری که طهارت مائیه داشته باشد یا طهارت ترابیه، اما فقط یک رکعت را می‌تواند درک کند، آیا قاعده من ادرك اینجا جریان دارد یا نه؟

به بیان سوم، آیا کسی می‌تواند بگوید این روایاتی که در باب حیض داریم، فرض کنید بنا بر همین برداشتی که شیخ در نهاییه دارد، بگوئیم اگر زن حائض طاهر شد ولو لم يدرك ركعة اما اینجا قضا برایش واجب است، ولو زمان اقتضای یک رکعت را ندارد، محقق می‌گوید به اندازه شروع، می‌گوئیم قاعده من ادرك را اینقدر توسعه داده که شروع در رکعت را هم شامل شده که این مبنایی هم می‌شود. آیا با قاعده من ادرك در این روایات تصرف کنیم؟

مثلاً همین روایتی که از منصور بن حازم خواندیم، بگوئیم «إذا طهرت الحائض قبل العصر»؛ یعنی ولو یک نماز کامل ظهر یا یک رکعت نماز ظهر را بگوئیم، یا بگوئیم نه، اذا طهرت ولو یک رکعت را هم وقت ندارد بخواند، همین معیاری که پاک شد این طهارت موجب وجوب القضاء می‌شود. بحث این است که ما اینجا آیا قاعده من ادرك را بیاوریم مفسر این روایات حائض قرار بدهیم یا عکس قضیه، بگوئیم در باب حیض اگر زن ولو ادراك یک رکعت هم نکرد اما قضا برایش واجب است.

ما از اول که وارد بحث حائض شدیم برای اینکه فقه الحديث قاعده من ادرك را مورد بحث قرار بدهیم، معنای «من ادرك ركعة من الصلاة فكأنما ادرك الصلاة تامة» چیست؟ پس سؤال این شد که آیا من ادرك را بیاوریم حاکم بر این روایات حیض قرار بدهیم؟ بگوئیم در جایی که می‌گوید اگر قبل العصر شد باید یک رکعت وقت داشته باشد، اما اگر یک رکعت وقت ندارد، وقت غسل دارد ولی وقت یک رکعت را ندارد، می‌گوئیم اینجا قضا واجب نیست. یا اینکه نه، می‌گوئیم این روایات حیض می‌گوید موضوع در باب حیض با جاهای دیگر فرق دارد، اگر زن دو ثانیه قبل از مغرب از حیض پاک شد اینجا ولو وقت اغتسال ندارد و ادراك یک رکعت را نمی‌کند ولی این نماز باید قضا بشود، بر اساس این روایاتی که در باب حیض است.

به نظر می‌رسد که قول اول تمام است؛ یعنی این روایات من ادرك تمام این روایات حیض را تفسیر کرده و می‌گوید اگر «طهرت قبل خروج الوقت» و وقت برای غسل داشته باشد و وقت برای یک رکعت را هم داشته باشد، اما اگر وقت برای غسل

دارد و وقت برای رکعت ندارد فایده ندارد، غسل هم موضوعیت ندارد و تیمم هم همینطور است، وقت برای طهارت ترابیه دارد و انجام داد و وقت برای یک رکعت ندارد، می‌گوئیم بر اساس این تنسیقی که بین آن روایات من ادرك و روایات حیض درست می‌کنیم قضا برایش واجب نیست.

این به عنوان یک احتمال، کسی که این روایات را تحقیق می‌کند و کنارش قاعده من ادرك را هم توجه می‌کند، می‌گوید شاید این روایات حائض مخصص من ادرك باشد؛ یعنی بگوئیم زن اگر پاک شد «ولو لم تدرك ركعة من الصلاة» اینجا قضا برایش واجب است؛ یعنی بگوئیم این روایات حائض را مخصص قرار بدهیم، به نظر می‌رسد که فهم عرف عکس است که می‌آید روایات من ادرك را حاکم یا مخصص برای روایات حائض قرار می‌دهد.

جمع‌بندی مسئله دوم تحریر الوسيلة و دیدگاه برگزیده

ما مسئله دو را تمام کرده و گفتیم بعد از اینکه مسئله تمام شد یک مقداری راجع به قاعده من ادرك صحبت کنیم. نکات مهم این قاعده ذکر شده و مسئله تمام می‌شود. مسئله دوم این بود: «لو بلغ الصبی أو أفاق المجنون أو المغمی علیه فی الوقت وجب علیهم الاداء و إن لم یدرکوا إلا المقدار رکعة مع الطهارة و لو كانت ترابیه»، که نظر ما هم همین شد، «و مع الترك يجب علیهم القضاء و كذلك الحائض و النفساء اذا زال عذرهما»؛ اگر عذر این دو تا زائل شد یعنی:

1. قسمت اول مسئله این است که این کسی که دارای عذر است اعم از جنون و اغماء و حائض و قبل خروج الوقت این عذر برطرف شود.

2. فرض دوم لو طرء الجنون او الاغماء او الحيض او النفاس بعد مضي مقدار صلاة المختار من اول الوقت بحسب حالهم من السفر و الحضر و الوضوء و التيمم و لم يأتوا بالصلاة وجب علیهم القضاء^[5]، وجه فرق بین اینکه چرا قاعده من ادرك در آخر وقت جاری است، اما در اول وقت اگر کسی به اندازه یک رکعت پاک بوده، زن به اندازه یک رکعت پاک بوده، گفتیم اینجا من ادرك این را شامل نمی‌شود و دلیلش هم ذکر کردیم.

درباره قاعده من ادرك و مفاد این قاعده، نکات مهمی بیان شد. ما نسبت به آخر وقت در جایی که ضیق الوقت باشد گفتیم طهارت مائیه واجب نیست «لضيق الوقت»، «لقاعدة الغلبة»، گفتیم یکی از جاهایی که پیدا کردیم مصداق جدید برای قاعده غلبه، ضیق الوقت است، حال قاعده غلبه می‌گوید اینجا ادا واجب نیست و طهارت مائیه واجب است، اگر طهارت ترابیه هم وقت نداشته باشد باز قاعده غلبه می‌گوید که طهارت ترابیه هم که وقت ندارد و مائیه هم که ندارد، پس نه ادا واجب است نه قضا، ما اصلاً قاعده غلبه را در اول وقت مطرح نکردیم.

مسئله سوم

امام خمینی در این مسئله می‌فرماید:

فاقد الطهورین يجب علیه القضاء، و يسقط عنه الأداء. علی الأقوی، لكن لا ينبغي له ترك الاحتياط بالأداء أيضاً.^[6]

این مسئله راجع به فاقد الطهورین است. امام خمینی می‌فرماید: کسی که نه قدرت بر طهارت مائیه دارد و نه ترابیه، قضا بر او واجب بوده و به احتیاط مستحب ادا را هم انجام بدهد. در این مسئله اقوالی وجود دارد که پیش مطالعه بفرمائید.

- [1] . التهذيب 1- 390- 1202 و الاستبصار 1- 142- 487؛ وسائل الشيعة؛ ج، ص: 363، ح 2371- 6.
- [2] . التهذيب 1- 390- 1203 و الاستبصار 1- 143- 489؛ وسائل الشيعة؛ ج، ص: 363، ح 2372- 7.
- [3] . «ثمَّ الذي تبيّن من هذه الأحاديث ان المرأة إذا أدركت من وقت الصلاة قدر الغسل و الشروع في الصلاة فأخترته حتى دخل وقت أخرى لزمها القضاء و لو قيل بذلك، كان مطابقاً لمدلولها، نعم لا تقضي من الصلوات إذا رأت، إلا ما تمكنت من أدائها في حال طهرها و أهملته.» المعتبر في شرح المختصر؛ ج، ص: 240.
- [4] . «أقول. مدلولها أعم من ذلك. نعم يطابق مدلولها ما عن النهاية من أنه يلزمها قضاء الفجر إذا طهرت قبل طلوع الشمس على كل حال. لكن عن الخلاف، و المختلف و جامع المقاصد كشف اللثام، و غيرها: ما هو ظاهر في الإجماع على العدم، و لأجله لا مجال للأخذ بالنصوص لو تمت دلالتها في نفسها و لم يصلح غيرها. مما أنيط فيه القضاء بالتفريط. للحكومة عليها. لما عرفت. و لظهور نصوص المقام في ذلك. فلاحظ. و لأجل ذلك كان الاحتياط الآتي ضعيفاً.» مستمسك العروة الوثقى؛ ج، ص: 364.
- [5] . «لو بلغ الصبي أو أفاق المجنون أو المغمى عليه في الوقت وجب عليهم الأداء و إن لم يدركوا إلا مقدار ركعة مع الطهارة و لو كانت ترايبية، و مع الترك يجب عليهم القضاء، و كذلك الحائض و النفساء إذا زال عذرهما، كما أنه لو طرأ الجنون أو الإغماء أو الحيض أو النفاس بعد مضي مقدار صلاة المختار من أول الوقت بحسب حالهم من السفر و الحضر و الوضوء و التيمم و لم يأتوا بالصلاة وجب عليهم القضاء.» تحرير الوسيلة؛ ج، ص: 224، مسئله 2.
- [6] . تحرير الوسيلة؛ ج، ص: 224، مسئله 3.